

## الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا

### اولیاء الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفا.

کسانیکه به نظام الهی گرویده اند در راه الله پیکار می کنند و کسانیکه راه تکامل را نادیده گرفته اند در راه قدرتهای ضد خدایی می جنگند. پس با پیروان و سپاهیان شیطان پیکار کنید که نقشه و توطیه شیطان بسی بی پایه و سست است. (نساء/۷۶)

تحولات ماه‌های اخیر، که توسعه چشمگیر اعتراضات و عصیان مردم ستمدیده علیه رژیم استبدادی با رشد آگاهی و بینش اجتماعی خلق مسلمان همراه بوده است، نظام جبار و متجاوز را در مقابل شرایط دشوار و پیچیده ای قرار داده است. پنجاه سال ظلم و استبداد، فقر و محرومیت، زندان و شکنجه، قتل و تبعید همراه با تحمل انواع حقارت ها و تحمیل های ضد انسانی و مشاهده هزاران جنایت و فساد کاری، خیانت و زشتکاری، پایمال کردن ارزشهای اخلاقی و حقوقی انسانی و آزادیهای فردی و اجتماعی و اقدامات گستاخانه علیه اسلام راستین، قلب های خلق رنجدیده را از کینه و نفرت نسبت به عاملین جنایات مزبور آکنده ساخته است، بطوریکه وقتی رژیم بضرورت و ناچاری مجبور شد از فشار پنجه های خون آلودش بر گلوی مردم بکاهد، فریاد داد خواهی و انتقام و عصیان خلق در فضای قبرستانی ایران پیچید و رعدآسا تخت های قدرت طاغوت را بلرزه در آورد.

در شهر و روستا، مزرعه و کارخانه، مدرسه و دانشگاه، بازار و مسجد و هر محفل، اجتماعی برخاست زنگ خطر را مجدداً صدا در آورد زیرا همه یکصدا نابودی رژیم سلطنتی ضد مردمی و ضد اسلامی و استقرار حاکمیت مردم و نظام توحیدی و بازگشت حقوق و آزادیهای اساسی مردم و رهایی کشور از نفوذ سلطه استعمار و سرمایه داری غارتگر داخلی را خواستار بودند. رژیم در کنترل اوضاع به سردرگمی دچار شد برای آنکه ثابت کند می تواند بدون بازگشت بدوران قبل، امنیت را برقرار کند بی آنکه فضای باصلاح باز را مسدود نماید به ابتکارات تازه ای دست زد لازم بود هر چه زودتر رشد اعتراضات مردم متوقف شود زیرا مردم به هدایت و روشنگری روحانیون مبارز و آگاه و در راس آنان امام خمینی و رهبری سازمانهای پیشتاز و عناصر مترقی و روشنفکرانهدام بنای طاغوتی را هدف قرار دادند و یک زبان و یک صدا پایان دادن به حکومت استبدادی پنجاه ساله پهلوی و رژیم دست نشانده استعمار را تقاضا کردند. ابتکارات تازه رژیم برای مرعوب ساختن مردم خیلی زود برسوایی کشید، تشکیل کمیته های اقدام و سازمانهای زیر زمینی انتقام بوسیله ساواک و بمب گذاری در خانه آزادمردانی چون مهندس بازرگان و ربودن و مضروب ساختن مبارزین راستینی نظیر دکتر پیمان قسمتی از برنامه جدید سرکوبی و نشانه هایی از یک طرح جدید برای کنترل اوضاع بنفع خود و اربابان غارتگرش میباشد بر طبق این طرح موزیانه ابتدا اعتراضات به حق مردم را بصورت یک بلوای لجام گسیخته و آشوبگرانه معرفی کردند و آنگاه کوشیدند عملیات مامورین ساواک را مقابله مردم و اعضای حزب رسوای شاه معرفی کنند.

ابتکارات تازه متوجه چند هدف عمده و اساسی است، اول در صورت امکان ایجاد صحنه های بظاهر طبیعی از برخورد و مقابله گروههای سیاسی رقیب بصورتی که در بعضی کشورهای دیگر تجربه شده است و در ضمن این برخوردها از یکطرف ساواک عناصر و نیروهای اصیل و مبارز را سرکوب و شکار کند و از طرف دیگر با دامن زدن به اغتشاش و هرج و مرج و حتی قتل و ترور و آشوب، زمینه را برای یک سرکوبی و اختناق تازه به شیوه گذشته و بدست همین رژیم یا بدست عناصر یا عنصر تازه ای و با شیوه های کم و بیش متفاوت آماده سازند.

۱ - مبارزه اصیل و برحق مردم را (بیشتر بطور غیر مستقیم) در جهتی رهبری و هدایت کنند که سرانجام در نقطه مطلوب رژیم و اربابان متوقف شود در مقابل گرفتن بعضی امتیازات و انجام بعضی تغییرات روبنایی فروکش نماید و

تحول مبارزه در چند ماه اخیر که نتیجه دخالت و روشنگریهای عناصر و نیروهای مترقی و انقلابی مسلمان بود خیلی زود اثرات نیکوی خود را آشکار ساخت، اعتراضات علیه رژیم که فردی بود دستجمعی شده، پراکندگی به اجتماع تبدیل گردید و بسیاری مردم از بیتفاوتی عملی به میدان مبارزه کشانده شدند، بعضی رهبران مذهبی متوجه مسوولیت‌های مذهبی خود شدند و مبارزات اخیر اگر چه با شهدا و قربانیان زیاد توأم بود ولی این تجربه هم حفظ و تضمین منافع عظیم و حیاتی اقتصادی و سوق الجیشی که امپریالیسم و در راس آن امریکا در ایران و منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند دارد ایجاب میکرد شرایطی که موجب رشد زمینه‌های انقلاب مسلحانه در ایران می شد تا حد ممکن تغییر کند. شیوه حکومت استبدادی توأم با غارتگری و فساد و خشونت و اختناق عامل تحریک انقلاب و خشونت شناخته شد. مصلحت دیدند با اعمال تغییراتی و ضمن دادن نوعی آزادی محدود و قابل کنترل، از فشار درونی و قابل انفجار جامعه بکاهند و با آوردن فرمانروایان تازه و قابل اعتمادی ورشکستگی اقتصادی را تا حدی ترمیم و زیر سرپوش نهادهای ظاهراً دمکراتیک و به کمک بعضی اصلاحات روبنایی امنیت و ثبات برای ادامه سلطه سیاسی - نظامی - اقتصادی امپریالیسم بر منطقه تامین شود. بعضی از این محافل امپریالیستی که از رشد مبارزه انقلابی مسلحانه در ایران بوحشت افتاده بودند و اقدامات سرکوب کننده را کافی نمی دیدند، علاوه بر دامن زدن به جنگهای روانی و نزاعهای عقیدتی و نفاق افکنانه که در اثر بیداری و هوشیاری انقلابیون راستین و مسلمانان حق طلب و پیشرو، زودتر از آنچه انتظار داشتند خنثی گردید(۱) قصد دارند در پرتو شرایط، تازه سازمانها و تشکل‌های انقلابی را شناسایی و ریشه کن سازند(۲)

سیاست آنها در فدا کردن قدرت تولیدی کشاورزی دامپروری و صنعت ملی و متکی کردن کشور به درآمد ناشی از فروش یک ماده خام (نفت) و صرف قسمت عمده میلیاردها دلار درآمد نفت برای خرید سلاحهایی که فقط ببرد دفاع از منافع سوق الجیشی و اقتصادی امپریالیسم در خلیج و اقیانوس هند و سرکوبی جنبشهای آزادیبخش منطقه و کشتار مردم مملکت می خورد و تامین هزینه های کمرشکن نظامی و پلیسی و امنیتی و جشنها و عیاشیهای در باریان و انباشتن ثروت و ساختن کاخها و باخت در قمارخانه ها و کازینوها، و وابسته کردن کامل اقتصاد کشور به غولهای سرمایه داری غرب، کشور را در میان بحران خطرناک اقتصادی فرو رانده است که هرگونه نوسان در قیمت نفت یا کاهش فروش آن عواقب شوم و خطرناکی برای ملت ببار می آورد. اکنون امپریالیستها قادرند هر وقت اراده کردند مردم ایران را به قحطی و گرسنگی مصیبت باری بکشانند.

بحرانهای پی در پی اقتصادی، رژیم را که تنها به درآمد نفت متکی است مجبور می کند بیش از پیش برای هزینه های خود مالیاتهای تازه ای به مردم رنجدیده و محروم ایران تحمیل کند.

سالها فشار اقتصادی همراه با اختناق و سلب آزادی و انواع دیگر ستمها همه طبقات زحمتکش و روشنفکر جامعه را در بر گرفت و به انبار باروتی از خشم و نفرت تبدیل ساخت. فرهنگ انقلابی اسلام که سرچشمه اعتقادات ایران است با میراثی غنی از پیکار علیه ظلم و بیدادگری و سلطه طاغوتها و فراعنه و عصیان و جهاد برای آزادی و برادری و برابری و حاکمیت توحید مانند گذشته کبریتی بود بر باروت نارضایتیها و خشم و کینه توده های مسلمان و به مجرد پدید آوردن فرصتی هر چند گریز پا، چون اهرم نیرومندی خلق را بمقابله با رژیم کشانیده است تا خواسته های بحق آنان را تجسم واقعی بخشد و آرزوهای آنان را برای آزادی و عدل و نفی ظلم و اسارت منعکس نماید ظرف چند ماه شعله های کم سوی اعتراضات به آتشفشانی از خشم و عصیان مردم در سراسر کشور مبدل شد.

عدم صداقت رژیم در دادن آزادیهای قانونی، سبب شد سریعتر از آنچه در ذهن و مغزهای گندیده تیورسین های سابقاً روشنفکر و انقلابی رژیم و مشاورین امپریالیست و صهیونیست آنها می گنجید، مردم اعتراضات خفیف و انفرادی را که قابل تحمل رژیم بود به مقابله صریح و مستقیم با قدرت دیکتاتور رژیم شاه کشانند و پرده از جنایات پنهان ساله رژیم حاکم بر ایران برداشتنند و علت و عامل بدبختی و اسارت ملت را در حاکمیت خاندان پهلوی و سرمایه داران وابسته

و سلطه اقتصادی - نظامی - سیاسی - فرهنگی امپریالیسم جهانی و در راس آن آمریکا معرفی کردند. اوج گیری اعتراضات مردم و ظهور آثار تحرک تازه در سازمانها و تشکل های انقلابی پیشگام رژیم و اربابان او را در برابر وضع دشواری قرار داده است. مقاومت های دلیرانه مردم در شهرهایی چون قم، تبریز، جهرم، یزد و اهواز و شرکت اکثریت مردم شهرها و دهات در اعتصابات و فریاد خشم خلق که از دهان گویندگان شجاع مذهبی بر منابر و متن نوشته های مبارزان در بیانیه ها و از حلقوم میلیونها نفر از زحمتکشان و روشنفکران برای عموم حاصل شد که دشمن مسلح بی رحم را بدون سلاح نمی توان شکست داد.

میدان مجدداً برای ادامه حاکمیت قدرتهای ضد مردمی خالی شد. بدنبال یک چنین رکود و توقفی در مبارزه و حتی از آغاز اجرای طرح سرکوبی نیروهای مبارز و سازمانهای پیشگام و مجاهدان مسلمان بشدت شروع شده و ادامه می یابد. پیشبرد این مقصود مستلزم آنست که رهبری مردم را منحصراً عناصری فرصت طلب و سازشکار یا اصلاح طلب و محافظه کار بر عهده گیرند و نیروهای انقلابی و مبارزین آگاه نتوانند در روشنگری خلق و هدایت آنها تا مراحل نهایی تر مبارزه موفق شوند. توجه به حوادثی که در پاکستان اتفاق افتاد و به سقوط بوتو عنصر کثیف و دست نشانده و ضد مردمی و ضد اسلامی و روی کار آمدن قلدر تازه ای با اسم ضیاءالحق منجر گردید میتواند آموزنده باشد. بعد از آشوبی که یک پایه آنرا جبهه اتحاد ملی پاکستان تشکیل میداد و حکومت بوتو دانسته یا ندانسته و بر طبق طرح اربابان بدان دامن میزد به اوج خود رسید، ضرورت دخالت ارتش مطرح شد و امتیازات مسخره ای تحت عنوان مراعات اصول اسلامی بمردم اعلام گردید. اتحاد ملی خواسته یا ناخواسته خاموش شد و یک دوره ظاهراً باثبات برای استعمار و قدرتهای ضد مردم داخلی مجدداً آغاز شد. بدیهی است در ایران شاه در حفظ قدرت مطلقه خود اصرار وسیعی دارد این طرحها را خود اجرا کند اما تضاد منافع و موقعیت او با خلق بقدری است که هرگز موفق نمی شود با وجود خود و رژیم کثیفش زمینه ها و عوامل انقلاب مردم را تخفیف دهد و خیال ارباب ها را آسوده سازد، در اینصورت شاید مجبور شود به تغییراتی تن دهد. شکل استحاله بعدی به عوامل متعددی بستگی دارد، کنار رفتن بنفع فرزندش، آمدن یک قلدر نظامی یا یک گروه سیاسی قابل اطمینان در راس کار و تظاهر به مبارزه با مظاهر نظام گذشته همه جز وسیله ای برای فریب و نیرنگ خلق و خاموش کردن مبارزه مردم نیست. البته این تغییرات در صورتی است که مبارزه کنونی مردم در اثر ضعف رهبری (که احتمالش زیاد است) و با عوامل دیگری خود به خود به خاموشی نگراید.

۲ - هدف اساسی که انهدام سازمانهای پیشتاز و سرکوبی مبارزین اصیل و آشتی ناپذیر است، در درجه اول اهمیت و فوریت قرار دارد. رژیم از هم اکنون با جلو انداختن نیروی پایداری که بر خلاف قوانین موجود نقش ساواک و شهربانی و ضابطین دادگستری و دادرسی ارتش را بر عهده گرفته و به بازداشت مردم و یورش به خانه های آنان پرداخته است و در خیابانها و کوی و برزن به دستگیری و گرفتاری افراد به بهانه فحاشی به مامورین و یادداشتن یک نوار سخنرانی یا قصد تظاهرات سرگرمند و بالاخره با هلیکوپتر در کوه پایین آمده با زدن و زخمی کردن، ۶۵ دانشجو را دستگیر می کنند و به دادگستری تحویل میدهند و سعی دارند نیروهای انقلابی و مبارزین مزاحم را از صحنه خارج سازند تا نتوانند مانعی در پیشبرد برنامه های آنها ایجاد کنند. تهدید و ارباب وسیله دیگری برای خاموش کردن صداهای مزاحم است اما مردم ایران به آن درجه از آگاهی و شناخت رسیده اند که تحمیق یا تخدیر مجدد آنها غیر ممکن است، نقشه های شیطانی رژیم هیچکس را فریب نمی دهد و مردم دشمن را شناخته و راه مبارزه با آنها تجربه میکنند. مردم به حقوق مسلم خود آشنا شده اند و فرهنگ انقلابی اسلام راستین برای آنها تکیه گاه اصیل حرکت اجتماعی و ایفای مسوولیتهای تاریخی و مشعل فروزان راه آینده و تشخیص حق از باطل و محرک جهاد و فداکاری در راه خواستههای برحق آنها است.

شرایط دشوار و پیچیده کنونی، هشیاری بیشتر مبارزین مسلمان را ایجاب میکند. یادآوریه‌های زیر ضروری بنظر میرسد:

۱ - سازمانها و عناصر پیشگام انقلابی مسلمان لازم است نقش تاریخی و رسالت اسلامی خود را در هدایت جنبش بسوی یک جهاد مسلحانه با رعایت تام اصول مبارزه و شیوه‌های تجربه شده و آگاه ساختن خلق مسلمان ایران به راه درازی که در پیش دارند و این حقیقت که پیروزی نهایی در دو قدمی و در دسترس نیست و بیک مبارزه طولانی و علمی نیازمند است ایفا کنند. در این راه باید از فرصت موجود در پراکندن آگاهی و فرهنگ انقلابی سود جویند. بعضی عناصر مبارز تصور میکنند که چون شرایط تازه سیاسی کلاً بر ضد مردم طرح ریزی شده است، استفاده از فرصت‌های بدست آمده که مستلزم شرکت در فعالیتهای و مبارزات سیاسی علنی است جز به زیان جنبش تمام نمی شود، زیرا این نوع مبارزات در شرایط حاضر به معنای تاکید وضع موجود و نفی جنبش انقلاب مسلحانه مردم ایران است. این عده فراموش میکنند که توده‌ای شدن مبارزه و شرکت فعال مردم در انقلاب موکول به سیاسی شدن آنهاست.

۲ - جنبشهای انقلابی بدون استفاده از مبارزات سیاسی وسیع نمی توانند توده مردم را آگاهی انقلابی و هشیاری اجتماعی بدهند و انقلابی شدن مردم که موکول به عبور آنها از یک دوره مبارزه سیاسی و شرکت در تظاهرات و اعتصابات و درگیری مستقیم با رژیم است، نتیجه استفاده نکردن از فرصتهایی نظیر آنچه اخیراً بدست آمده است جز این نیست که جنبشهای انقلابی در چارچوبهای تنگ سازمانی خود محصور بمانند و در انزوا و جدایی از مردم به خفقان دچار شوند. تزی فرا راه مجاهدان پیشتاز و رهبران متعهد و آگاه قرار میدهند. پیچیدگی شرایط اجتماعی و سیاسی و در نتیجه پیچیدگی راه و رسم مبارزه از خصلت‌های برجسته شرایطی است که ما در آن قرار داریم. برای آنکه همیشه بهترین راه و مناسبترین تاکتیک و درست ترین جهت را انتخاب کنیم باید هشیارانه شرایط حاکم بر مبارزه را دایماً ارزیابی کرده همه عوامل موثر در پیروزی و شکست را در نظر بگیریم. بر اساس ضرورت فوق توجه برادران و خواهران مبارز و مسلمان خود را به نکات ذیل جلب میکنیم:

۱- جنبش آزادیبخش مردم ایران در مسیر تاریخی خود در این مرحله در دو جناح در حال پیشروی است. یکی در سطح سیاسی - توده‌ای و دیگری در مسیر اصلی مبارزه انقلابی مسلحانه، جنبش انقلابی مسلمانان ایران باید نقش خود را در رهبری مبارزه سیاسی بر عهده گیرد و آنرا در جهت هدفهای انقلابی مردم هدایت کند.

۲ - اسلام و در مفهوم دقیق ترش اسلام شیعی، در تمامی تاریخ مبارزات خلقهای مسلمان محور فکری و اهرم ایدئولوژیک جنبشهای مردمی بر ضد قدرتهای طاغوتی بوده است بهمین جهت نقش مبلغین مذهبی و روحانیون روشنفکر در گسترش و پیشبرد مبارزه پر اهمیت است.

۳ - روشنفکران انقلابی مسلمان با استفاده از فرصتی که بیداری و آمادگی مردم بوجود آورده است، نسل جوان و قشرهای پیشگام و زحمتکش را در شهر و روستا بسوی تشکل‌های انقلابی و ایجاد هسته‌های مقاومت سوق داده ضرورت سازماندهی صحیح و آموزش اصول کار تشکیلاتی را گوشزد کنند.

۴ - سازمانهای انقلابی پیشگام و دیگر تشکل‌های مبارزه‌ای با توجه به توطیه‌ها و طرحهای ریشه برانداز سازمانهای اطلاعاتی و مشاورین امپریالیست و صهیونیست آنها بدقت تمام از سلامت و امنیت خود دفاع کنند.

۵ - آموزش ایدئولوژی و جهان بینی اسلامی به عنوان زیر بنای فکری انقلاب اجتماعی خلق مسلمان ایران همچنان اهمیت خود را حفظ می کند.

مردم مبارز مسلمان ایران با ایمان به حتمیت شکست و نابودی رژیم طاغوتی هرگز نباید در مقابل تلاشهای مذبوحانه خصم تزلزل و یاس به خود راه بدهند. سرسختانه و از راه درست برای رسیدن به پیروزی مبارزه کننداستقامت ورزندو مطمئن باشند که باز هم دشمنان مردم و اربابان آنها در برنامه‌های خود شکست می خورند و مردم آگاه تر و مصمم

تر از میدان معرکه بیرون می آیند. رژیم حتی اگر از بن بست و تنگنای کنونی خارج شود، بحرانهای مصیبت بارتری در انتظار اوست و دست و پا زدنهای او را از تنگنا و بحران نجات نمی دهد بلکه بیشتر در مرداب نابودی و هلاکت و عذاب فرو می برد.

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون پیروز باد مبارزه انقلابی خلق مسلمان ایران برقرار باد اتحاد نیروهای اصیل اسلامی

نابود باد رژیم فاسد پهلوی دشمن اصلی مردم مسلمان ایران

## جنبش مسلمانان ایران

اردیبهشت ۱۳۵۷

(۱) توصیه های هوشمندانه و ناشی از دوراندیشی و وسعت نظر مجاهد حضرت آیت الله خمینی تاثیری سریع در فرونشاندن بعضی از این جدالها داشته است.

(۲) گفته شد که سولیوان «سفیر امریکا» با کوله باری از این نوع تجربیات در سرزمین های دیگر از جمله فیلیپین به ایران آمده است تا برای تکمیل ماموریت هلمز (رییس اسبق سازمان سیا ای امریکا، سفیر سابق امریکا در ایران) برنامه سرکوبی و ریشه کن کردن کامل سازمانهای انقلابی را رهبری کند.